

شاخص‌های فرهنگ عاشورا.....

حمید نگارش

استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی

سر ابراهیم و اسماعیل بود
یعنی آن اجمال را تفصیل بود
ما سوی الله را مسلمان بنده نیست
پیش فرعونى سرش افکنده نیست
خون او تفسیر این اسرار کرد
ملت خوابیده را بیدار کرد
رمز قرآن از حسین آموختیم
زاتش او شعله‌ها اندوختیم



چکیده

عاشورا حضور دوباره همه انبیاء، صلحا و اولیای الهی در قله هدایت‌گری و ظلم ستیزی است. صحنه ایستادگی مردان الهی در برابر زورمداران و حاکمان طاغوتی است. فریاد عدالت‌طلبی بر سر و استگان زرو زور و دیو سیرتان است. زیربنای فکری و فرهنگی تحولات معنوی است. شکوه آن حماسه عظیم هنوز فاتح قلمرو دلها و قلب‌ها بوده و خواهد بود. بدین رو همه اندیشمندان و صاحبان قلم سراسر جهان را متوجه ابعاد، شاخص‌ها و آثار ماندگاری خود نموده است. این مقال بر آن است بعضی از این شاخص‌ها را بیان نماید. کلید واژه‌ها: عاشورا، امام حسین (ع)، فرهنگ عاشورا، احیای گری.

مفهوم شناسی

فرهنگ (Culture)

مفهومی گسترده می‌باشد که تمامی الگوهایی را که در جامعه آموخته می‌شوند در بر می‌گیرد. فرهنگ شامل همه دستاوردهای جامعه نظیر حقوق، دین، اخلاق، سنت‌ها و... می‌شود و هنگامی که درباره فرد به کار می‌رود معنای فرهیخته یا پرورش یافته می‌دهد و هنگامی که در مورد جامعه (غیر فرد) به کار می‌رود همه آموخته‌ها و آموختنی‌ها را در بر می‌گیرد.^۱

مدل‌گیری (Modeling)

واژه‌ای است معمول در روانشناسی اجتماعی که بر اساس آن فرد سعی می‌کند دیگری را مدل خویشتن سازد.^۲

فرهنگ اسلامی

فرهنگ اسلامی، مجموعه ارزش‌ها و معتقداتی است که برگرفته از کتاب، سنت و عقل می‌باشد. این فرهنگ دینی بیشتر به امور معنوی و فکری انسان توجه دارد تا به امور مادی و ظاهری. استاد مطهری در این باره می‌فرماید:

اسلام خود سازنده فرهنگ است، یعنی اسلام خود یک سلسله اندوخته‌های معنوی آورد که همان‌ها فرهنگ اسلامی به شمار می‌رود.^۳

امام حسین (ع)

ابو عبدالله حسین بن علی بن ابی طالب (ع) امام سوم از ائمه اثنی عشر و پنجمین معصوم از چهارده معصوم، فرزند دوم علی بن ابی طالب (ع) از حضرت فاطمه (س) در سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه بدنیا آمد. پیامبر اکرم (ص) او را پسر و پاره تن خود، گل خوش بوی خویش و سید جوانان اهل بهشت خواند. حسین (ع) چراغ هدایت و کشتی نجات و سالار شهیدان و ثارالله (کسی که خونخواه او خداست) می‌باشد. در تربت پاکش شفا و در زیر قبه‌اش استجابت دعا و در زیارت قبر مطهرش ثواب بسیار، روزی می‌شود.

شیعیان علاوه بر آن که حسین (ع) را رحمت و اسعه الهی و باب نجات امت می‌دانند عمل حسین و یارانش را سرمشق کوشش در راه عدالت و استقلال و آزادی می‌شمارند و

شهادت امام حسین(ع) را حماسه شرف و فضیلت و درس ایمان و استقامت و مَثَلِ اعلای فداکاری و حمیت در راه کسب خشنودی خداوند می دانند.^۴

محرم

نام نخستین ماه از ماه‌های دوازده گانه قمری است. از آن جا که محرم، یادآور حادثه کربلا و عاشورا است، فرارسیدن آن دل‌ها را پر از غم می‌سازد.

محرم همچون عاشورا رمز احیای خاطره حماسه‌های کربلاست و نقش این ماه در حفظ دستاوردهای حسینی مهم است و در این ماه سراسر کشورها و شهرهای شیعه‌نشین به یاد شهیدان کربلا اشک می‌ریزند و از عاشورائیان درس می‌گیرند.

فرهنگ عاشورا

مقصود مجموعه مفاهیم، سخنان، اهداف و انگیزه‌ها، شیوه‌های عمل، روحیات و اخلاقیات والائی است که در نهضت کربلا گفته شده یا به آنها عمل شده یا در حوادث آن نهضت، تجسم یافته است. این ارزش‌ها و باورها هم در کلمات سیدالشهداء و اصحاب و فرزندان متجلی است؛ و هم در رفتارشان در جریان آن قیام. همین فرهنگ است که در هر جا و در میان هر قومی که باشد، کربلا آفرین می‌گردد و انسان‌ها را مبارزانی باستم و مدافعانی نسبت به حق تربیت می‌کند. فرهنگ عاشورا همان زیربنای عقیدتی و فکری است که در امام حسین(ع) و شهدای کربلا و اسرای اهل بیت(ع) بود و سبب پیدایش آن حماسه و ماندگاری آن قیام شد. از جمله باورها و ارزش‌های برگرفته از آن فرهنگ می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۱. مقابله با تحریف دین.
۲. مبارزه باستم طاغوت‌ها و جور حکومت‌ها.
۳. عزت و شرافت انسان.
۴. شهادت طلبی.
۵. احیای فریضة امریه معروف.
۶. فتوت و جوانمردی، حتی در برخورد با دشمن.
۷. اصلاح طلبی.

۸. عمل به تکلیف به خاطر رضای خدا.

۹. صبر و مقاومت در راه هدف.^۵

این مقال بر آن است تا بعضی از باورها و ارزش‌هایی که نقش مهمی در شکل‌گیری فرهنگ عاشورایی ایفا نموده است را تبیین نماید.

امر به معروف و نهی از منکر

وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (آل عمران: ۱۰۴)

و باید از شما گروهی باشند که به نیکی بخوانند و به کارهای پسندیده فرمان دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازدارند و آنانند رستگارانند.

امر به معروف و نهی از منکر عبارت از دستور دادن به انجام کارهایی که در نظر عقل و شرع به خوبی و نیکویی شناخته شده باشند و بازداشتن از انجام کارهایی که عقل و یا شرع به بدی و ناروایی آن حکم می‌کنند.^۶

امام باقر(ع) در اهمیت و آثار امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید:

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَمِنْهَا جُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَتَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَتُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يَنْتَصِفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَتِيمُ الْأَمْرُ.^۷

امام باقر(ع) می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر، روش پیامبران و شیوه صالحان (در) فریضه بزرگ الهی است که سایر واجبات و فرائض به وسیله آن دو بر پامی‌شوند و در پرتو آنها راهها امن می‌گردد و کسب و کار مردم حلال می‌شود. مظالم به صاحبان اصلی برگردانده می‌شود. زمین آباد می‌گردد. از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها سامان می‌یابد.

در یک نگاه اجمالی می‌توان پایه و اساس حماسه عاشورا را امر به معروف و نهی از

منکر خواند. آن امام همام در یکی از بیانات تاریخی و جاودانه خود می‌فرماید:

إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَبْرَأً وَلَا بَطْرًا وَلَا فَاسِدًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَلَا إِنَّمَا خَرَجْتُ الْإِصْلَاحَ فِي أُمَّةٍ جَدِّي (ص) أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ.^۸

من از روی خودخواهی و غرور و خیره سری و یابه منظور ایجاد فساد و آشوب و یاغیگری و یا

ظلم و ستم‌گری بپا نخواستهم بلکه به منظور اصلاح امور مسلمین و امت جد بزرگوaram و

اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی قیام کرده‌ام.

در بیان دیگری آن یگانه دوران می‌فرماید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّ الْمَعْرُوفَ.^۹

خدایا من امر به معروف را دوست می‌دارم.

امام می‌خواستند در مقابل فاسدین و خیانت‌کنندگان به مردم و بیت المال بایستند و ایستادگی خود را در همه اعصار به رخ جهانیان بکشانند.

در نظرگاه استاد مطهری رمز بقای این نهضت مقدس همانا امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. ایشان در این باره می‌فرماید:

به موجب همین عامل (امر به معروف و نهی از منکر) است که این نهضت شایستگی پیدا کرده برای همیشه زنده بماند. برای همیشه یادآوری شود و آموزنده باشد... به موجب این عامل، حسین (ع) یک انسان معترض و منتقد است. مردی است انقلابی و قیام‌کننده، یک انسان مثبت است. انگیزه دیگری لازم نیست. همه جا را فساد گرفته، حلال خدا، حرام و حرام خدا، حلال شده است، بیت المال مسلمین را در اختیار افراد ناشایسته قرار گرفته و در غیر راه رضای خدا مصرف می‌شد، پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر کس چنین اوضاع و احوالی را ببیند (فلم یغیر علیه بفعل و لا قول) و در صدد دگرگونی آن نباشد (کان حقاً علی الله ان یدخله و مدخله) شایسته است که خدا چنین کسی را به آن جا ببرد که ظالمان و ستم‌کاران می‌روند و سرنوشت مشترک با آنان دارد، به گفته جدش استناد می‌کند که در چنین شرایطی کسی که می‌داند و می‌فهمد و اعتراض نمی‌کند، با جامعه گنهگار خود سرنوشت مشترک دارد.^{۱۰}

ابا عبدالله (ع) در بین راه، در مواقع متعدد به این اصل تمسک می‌کند و مخصوصاً در این مواقع اسمی از اصل دعوت و اصل بیعت نمی‌برد. گویا بعد از رسیدن خیر شهادت مسلم این خطبه معروف را امام می‌خواند که:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الدِّينَ قَدْ أَدْبَرَتْ وَ أَدْبَرَتْ وَ أَدْبَرَتْ وَ أَدْبَرَتْ وَ أَدْبَرَتْ وَ أَدْبَرَتْ وَ أَدْبَرَتْ وَ أَدْبَرَتْ وَ أَدْبَرَتْ وَ أَدْبَرَتْ...
 الْإِتْرُونَ إِنَّ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَتْنَاهِي عَنْهُ؟ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ حَقًّا.^{۱۱}

در یکی از خطابه‌های بین راه، بعد از اینکه اوضاع را تشریح می‌کند می‌فرماید:

إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا.

در چنین شرایطی من مردن را جز سعادت نمی‌بینم.

یعنی اگر کسی در راه امر به معروف و نهی از منکر کشته شود، شهید شده است.^{۱۲}

این عبارت گویای عزم امام حسین (ع) در احیای معروف و جلوگیری از منکر می‌باشد.

باید بکشیم در جامعه‌ی امروزی به تاسی از آن امام همام احیاگر ارزش‌ها باشیم.

امر به معروف و نهی از منکر در روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی هم نقش بسزایی

داشت. با تاسی به این فریضه عظیم بود. که بنیانگذار انقلاب اسلامی توانست جایگاه

پوشالی رژیم طاغوتی پهلوی را در بین مردم متزلزل نماید. این شاخص بزرگ عاشورایی و

عامل مهم شکل‌گیری حماسه حسینی، در جامعه‌ی امروزی ما رفته رفته کم رنگ‌تر می‌شود.

استاد مطهری در این باره می‌گوید:

من گذشته را با امروز مقایسه می‌کنم و می‌بینم که چقدر ما عقب رفته‌ایم. امروز گذشته از این

که هیچ شکلی برای امر به معروف و نهی از منکر وجود ندارد، اساساً آنچه بیشتر جای تأسف

است، این است که این فکرها بکلی از دماغ مسلمین خارج شده، آن چیزهایی را که آن روز

جزء وظیفه حسبه می‌دانسته‌اند و به نام حسبه و امر به معروف و نهی از منکر امور اجتماعی

خود را اصلاح می‌کردند، اساساً جز امور دینی شمرده نمی‌شود و اگر احیاناً کسی به فکر امر به

معروف و نهی از منکر بیفتد فکر نمی‌کند که آن اصلاحات هم جز این وظیفه و تکلیف است،

یعنی معروف و منکر آن معنای وسیع خود را از دست داده است.^{۱۳}

مسئولان فرهنگی باید تدابیری بیندیشند تا این اصل فراموش شده جایگاه واقعی خود

را در بین مردم بدست آورد. توجه به چند نکته در این رابطه خالی از لطف نمی‌باشد.

۱. ترغیب و تحسین جایگزین تحقیر و توهین

توجه داشته باشیم ترغیب و تحسین بهترین وسیله برای دعوت به ارزش‌ها می‌باشد. بوسیله

تشویق و تقدیر می‌توانیم در دل‌های مردم نفوذ کنیم و آنان را به کارهای نیک واداریم.

۲. رعایت مصلحت

از تعجیل در قضاوت و داوری درباره‌ی دیگران بپرهیزیم. هر کسی را با محیط و توانایی‌های

خودش بسنجیم. آن‌گاه با رعایت مصلحت و روش مناسب با وضعیت و موقعیت و سن افراد به درمان و اصلاح آنها پردازیم.

۳. پرهیز از خودخواهی

علت این که بعضی از گفتگوها به نتیجه نمی‌رسد، این است که بعضی از ما در صدد خودستایی و نشان دادن برتری خود به دیگران هستیم. این عمل گذشته از ایجاد نفرت، میل خودخواهی طرف را نیز برمی‌انگیزاند تا به دفاع از خود پردازد. در اسلام این عمل ناشایست مراء نامیده شده و از آن نهی گردیده است.^{۱۴}

۴. در نظر داشتن رضای الهی

خشنودی خدا در امر به معروف و نهی از منکر در این است که خودپسندی و مشاجره را کنار بگذاریم و باندایی توأم با دانش و ادب، پاکی و فهم، برادری و دوستی، یکدیگر را بخوانیم. این حرکت الهی امام حسین (ع) باعث شد اسلام در مصاف همه چالش‌ها و تهاجم‌ها ایستادگی کرده و بقای خود را در روند تاریخی عالم رقم بزند و اگر نبود نهضت امام حسین (ع) با آن اهداف الهی، آثاری از اسلام بر جای نمی‌ماند. استاد مطهری در این باره می‌فرماید:

حسین بن علی (ع) در راه امر به معروف و نهی از منکر، یعنی در راه اساسی‌ترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اسلامی است، کشته شد. در راه آن اصلی که اگر نباشد، دنبالش متلاشی شدن دنبالش تفرق است. دنبالش گنبدیدن پیکر جامعه است. امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است. به اصطلاح علت مبقیه است. اصلاً اگر این اصل نباشد اسلامی در کار نیست.^{۱۵}

صبر و استقامت

ثبات و آرامش نفس در سختی‌ها، بلاها و پایداری و مقاومت در برابر آنها را صبر و استقامت می‌نامند.

از شاخص‌های مهم فرهنگ عاشورا ایستادگی و مقاومت سپاه اسلام در برابر دشمن بود. امام حسین (ع) در چند مرحله به هنگام حماسه عظیم عاشورا، یاران خود را دعوت به صبر و استقامت نمود. آن امام همام در روز عاشورا در خطبه‌ای به یاران خود می‌فرماید:

صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ الْوَاسِعَةِ وَ
التَّعِيمِ الدَّائِمَةِ.^{۱۶}

ای بزرگ زادگان! مقاومت کنید؛ چرا که مرگ تنها پلی است که شما را از رنج و سختی عبور می‌دهد و به سوی بهشت گسترده و نعمت‌های همیشگی می‌رساند.

روز عاشورا پس از نماز با یاران خود، دعوت به صبر داشت. یاران با وفای ایشان در رجزهای خویش شعار مقاومت و پایداری را سر می‌دادند. سخت‌ترین ضربه‌های روحی و مصیبت شهادت فرزندان و یاران بر امام حسین (ع) وارد شد، ولی در همه آنها، آن بزرگوار روحیه خود را از دست نداد؛ ایستادگی کرد و تن به تسلیم و ذلت نداد. فرمود:

إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا.^{۱۷}

من مرگ (در راه حق) را جز سعادت نمی‌بینم و زندگی با ستم کاران را جز محنت نمی‌دانم. جملات آن بزرگوار در مورد صبر بر داغ عزیزان و شهادت همراهان بسیار است و از آغاز نیز خود را برای تحمل این پیشامدها، آماده کرده بود. هنگام خروج از مکه در خطبه‌ای که خواند و اشاره به آینده حوادث و پیشگویی شهادت خویش داشت فرمود:

نَصَبْتُ عَلَى بَلَائِهِ وَ يُؤَفِّقُنَا أَجُورَ الصَّابِرِينَ.^{۱۸}

بر بلای او صبر می‌کنیم و او نیز پاداش صابران را به ما می‌دهد.

قهرمانان عاشورا، الهام دهندگان صبوری و شکیبایی به همه نسل‌های طالب حق می‌باشند. اگر انقلاب اسلامی ایران با هدایت و رهبری بنیانگذار آن، امام خمینی (ره) به ثمر می‌رسد، بدون تردید با تکیه بر این ویژگی مهم قهرمانان کربلا می‌باشد.

امروز، نظام اسلامی به برکت خون شهیدان و ایستادگی دولتمردان و همه آحاد کشور، عرصه‌های پیروزی را یکی پس از دیگری طی می‌کند. بهوش باشیم که آن حجت خدا در اوج سختی‌ها ذره‌ای از مواضع خود عدول نکرد و ایستاد. خوب است مسئولان و دولتمردان ما به این شاخص مهم فرهنگ عاشورایی توجه داشته باشند و در برابر فشارهای بیگانگان ذره‌ای از مواضع اصولی خود عقب نشینی نداشته باشند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

عظمت کار این جا بود که امام حسین (ع) در مقابل فشار و سنگینی یک دنیای متعرض و مدعی احساس تردید نکرد... شجاعت ورود در میدان جنگ یک مسئله است و شجاعت مواجه شدن با یک دنیا یک مسئله دیگر. برای همین است که من بارها تأکید کرده‌ام که حرکت امام بزرگوار ما یک حرکت حسینی بود. امام بزرگوار در زمان ما رشحه‌یی از حرکت

حسینی را در کار خود داشت. ... عزیزان من الان وضع شما این است. کربلا تا آخر دنیا گسترده است. کربلا که به مرزهای آن میدان چندصدمتری محدود نمی‌شد. الان همان روز است. همه دنیای استکبار و ظلم امروز با جمهوری اسلامی ایران مواجه است.^{۱۹}

حق طلبی

از راز و نیاز آن واسطه فیض الهی که در شروع قیامش در حرم جد بزرگوار خود با پروردگارش دارد، استفاده می‌شود که معیار آن حجت خدا در شروع حرکت و هدف غائی آن حضرت همانا رضای الهی است. در فرازی از آن مناجات ایشان می‌فرماید:

أَنَا أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ بِحَقِّ الْقَبْرِ وَمَنْ فِيهِ إِلَّا اخْتَرْتْ لِي مَا هُوَ لَكَ رِضَىٰ وَ
لِرَسُولِكَ رِضَىٰ.^{۲۰}

ای خدای صاحب جلال و کرامت تو را به حق این قبر و صاحب آن سوگند که ما را به آنچه رضای تو و رضای پیامبرت در آن است هدایت فرما.

اگر قیام می‌کند، اگر حرکت می‌کند، اگر خونس را نثار می‌کند، اگر سخت‌ترین و شدیدترین مصائب را بر جان می‌خرد، اگر فرزندان را به شهادت می‌دهد و اگر محبوب‌ترین خاندانش را به دست اسارت می‌سپارد، بر این است که رضای الهی را بدست آورد. در بخشی از خطبه‌ای که هنگام عزیمت به عراق ایراد نموده فرمود:

رِضَا اللَّهِ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ.^{۲۱}

خشنودی خداوند، خشنودی ما اهل بیت است.

و نیز در زیارت رسول الله نظیر جمله «عبدت الله» و شبیه به آن دیده می‌شود که مراد همان مقام عبودیت و بندگی حق است و این بالاترین نشانه بندگی آنها و بلکه هر مؤمن واقعی است (که در پی رضایت حق تعالی باشد)؛ و در واقع عمل آن حضرت بر طبق خواسته الهی انجام می‌شد و پیرویش هم از اول بدین گونه مقدر شده بود که «فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاكَ قَتِيلًا»^{۲۲} همانا خدا خواسته که تو را کشته ببیند. و «إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَائًا»^{۲۳} همانا خواسته که تو را اسیر ببیند. و حضرت آن را به گوش جان شنید و پذیرفت و در نتیجه (به جهت حق طلبی و اخلاص) بلافاصله بعد از شهادتش آثار پیروزی یکی پس از دیگری به ظهور پیوست به طوری که می‌توان گفت قطعاً مسلمین هر چه از دین و حفظ آثار کتاب و

سنت تا به امروز و بلکه تا قیام حضرت حجت و بلکه تا زمان ظهور آن حضرت هم داشته و خواهند داشت از آثار قیام سید الشهداء است.^{۲۴}

استاد مطهری در این باره می‌فرماید:

اگر قیام به انگیزه امر خدا و تحصیل رضای حق بود که (ان صلاتی و محیای و مماتی لله رب العالمین)^{۲۵} براساس از خودگذشتگی و فداکاری بود و خلاصه اگر خالصاً لوجه الله بود و هیچ منفعتی نداشت بلکه منافع را به خاطر حقیقت به خطر انداخت، چنین مبارزه‌ای چون جلوه‌ای از روح حقیقت پرستی بشر است و بر ضد خودپرستی بشر است، طبعاً عظمت پیدا می‌کند.^{۲۶}

اهتمام به دعا و مناجات

دعا به معنی سؤال و استغاثه است و در آیات متعدد خداوند به پیامبرش می‌فرماید که برخی از امور مهم را در قالب دعا از خداوند طلب نماید.

وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا (طه: ۱۱۴)

نیاز اساسی و حقیقی روح و انسانیت انسان، از تباط با خالق هستی است که درک این نیاز و راه تأمین آن، پیوند وی را با مبدأ مهربانی‌ها آشکار می‌سازد و توفیقات الهی را افزونی می‌بخشد. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

همین دعاها، همین توجهات به خدا، انسان را به مبدأ غیبی متوجه می‌کند و نه تنها مانع فعالیت نمی‌شود، بلکه فعالیت هم می‌آورد.^{۲۷}

از مظاهر عبودیت و عرفان وجود مقدس امام حسین (ع)، عبادت‌ها و دعاها و ایشان به درگاه خداوند متعال می‌باشد. دعای عرفه آن امام همام یکی از تجلی‌گاه‌های بسیار عالی از روح بزرگوار و معاشقه عارفانه‌ای است که باخدای خود کرده است. انسان وقتی این دعا را می‌خواند می‌فهمد که این روح بزرگ چگونه آمادگی داشته تا آن فداکاری بی نظیر را در صحنه کربلا از خود نشان دهد و این چنین جان خویش را در طبق اخلاص بگذارد و عاشقانه به درگاه خداوند نثار کند.

یا مولای آنت الذی أَنْعَمْتَ، آنت الذی أَحْسَنْتَ آنت الذی أَجَمَلْتَ، آنت الذی أَفْضَلْتَ... آنت الذی أَغْنَيْتَ آنت الذی أَتَيْتَ آنت الذی كَفَيْتَ آنا الذی غَفَلْتُ، آنا الذی سَهَوْتُ، آنا الذی أَخْلَفْتُ آنا الذی أَقَرَّرْتُ آنا الذی إِعْرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ و...^{۲۸}

این عبارات بلندگویای آن است که آن امام همام اوج بندگی و عبودیت خود را در محضر ربوبی ابراز نماید. لذا در اوج حماسه کربلا این اظهار بندگی در کلام و حالات امام مشهود است و حتی به دیگران توصیه و درس دعا و اظهار بندگی می‌دهد. در روز عاشورا و در حین نبرد حق و باطل، امام حسین (ع) در حالی که دست به دعا برداشته کلماتی را تعلیم فرزندش امام سجاد (ع) می‌دهد که بایستی عهده‌دار کاروان و قافله امام حسین (ع) در حرکت به کوفه، شام و مدینه باشد، ایشان می‌فرماید:

يَا بُحَيُّ احْفَظْ عَنِّي دُعَاءَ عَلَمْتَيْهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ عَلَمَهَا رَسُولَ اللَّهِ وَ عَلَمَهُ جِبْرِئِيلَ فِي الْحَاجَةِ وَ الْمُهْمِ وَ الْقَمِّ وَ النَّازِلَةِ إِذَا نَزَلْتَ وَ الْأَمْرَ الْعَظِيمَ الْفَادِحَ قَالَ اذْعُ: بِحَقِّ يَسِّ وَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ وَ بِحَقِّ طَلَّةِ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَعْلَمَنَّ مَا فِي الصَّغِيرِ يَا مُنْقَسَ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُفْرِجَ عَنِ الْمُعْضَمِينَ، يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلْ فِي كَذَا وَ كَذَا^{۲۹}

امام سجاد (ع) می‌فرماید: پدرم در آن روز پرشور عاشورا که خون در آن می‌جوشید؛ مرا به سینه چسبانید و فرمود: پسرم حفظ کن از من دعائی را که مادرم فاطمه (س) به من آموخت که رسول الله (ص) به او آموخته بود و جبرئیل امین مأمور آموختن به آن حضرت بوده که در حوائج مهم و گرفتاریها و غم و غصه‌هایی که بر انسان نازل می‌شود و در بلاهای بزرگ و سخت بخواند خدای را به آن و آن این است: به حق یس و به حق طه و قرآن کریم، ای کسی که قدرت داری حوائج سؤال کنندگان را بر آورده سازی، ای خدایی که از ضامان بندگان واقفی، ای خدای بر طرف کننده غم و اندوه گرفتاران، ای زداینده غم‌های غصه داران، ای رحمت کننده بر پیران، ای روزی دهنده بر اطفال، ای آنکه احتیاج به گفتگو در پیشگاهت جهت عرض حاجت نیست، درود فرست بر محمد و آل محمد و انجام ده در حق این بندهات آنچه سزاوار ربوبیت تو است.

شهادت طلبی

عاشورائیان و یاران حماسه ساز امام حسین (ع) به خوبی دریافته بودند که سید الشهداء چه راهی را انتخاب نموده است. بعد از همه اتمام حجت‌ها، آنان که در رکاب آن حجت خدا توفیق حضور پیدا کرده بودند می‌دانستند که امام از شهادت خود آگاه است و با علم به آن به کربلا آمده است. آنان باور داشتند که امام در راستای بقای دین و حیات اسلام، خود را به

قربانگاه رسانده است. لذا صحابه به پیروی از رهبر و مولای خویش در شب عاشورا یک به یک برخاسته و این روحیه را ابراز می‌کردند و به مانند امامشان هیچ‌گونه هراسی به خود راه نداده بودند. با آن که اباعبدالله (ع) بیعت را برداشته بود تا هر کس با اختیار خود تصمیم بگیرد، اما سخنان آن بزرگواران در شب عاشورا حاکی از عشق به شهادت در رکاب مولای خود بود. وقتی امام حسین (ع) فرمود فردا من کشته می‌شوم و شما نیز همه کشته خواهید شد؛ گفتند:

فَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِبَصْرِكَ وَ شَرَّفَنَا بِالْقَتْلِ مَعَكَ. أَوْ لَا تَرْضَى أَنْ نَكُونَ مَعَكَ فِي
دَرْجَتِكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ فَقَالَ (ع) جَزَاكُمْ اللَّهُ خَيْرًا وَ دَعَاكُمْ بِخَيْرٍ.^{۳۰}

سپاس خدایی را که ما را به یاری تو تکریم فرمود و شرافت شهادت در رکاب تو را نصیب ما کرد. ای فرزند رسول خدا آیا خرسند نباشیم که با تو و در درجه تو باشیم. امام فرمود: خدا همه شما را پاداش نیک بدهد و آنان را دعا کرد.

این فرهنگ اهل بیت است، این فرهنگ عاشورا است و مؤید این روحیه و اندیشه آسمانی است که مرگ در راه عقیده و شهادت در راه خدا آرزوی وارستگی است که رشته تعلقات دنیوی را قطع نموده و به حیات برین و رزق الهی در سایه شهادت دل بسته‌اند. امروز به برکت تداوم این فرهنگ عاشورائی، انقلاب اسلامی توانسته است جوانانی را تربیت نماید که به پیروی از مولای خویش حاضرند از همه وابستگی‌های مادی دست برداشته و در راه حفظ نظام اسلامی ایثارگری نمایند. فرهنگ شهادت‌طلبی عاشورا را رزمندگان مسلمان ما و شهیدان انقلاب اسلامی به خوبی درک کرده و از آن در راه حفظ اسلام و نظام اسلامی بهره‌برداری کردند. این روحیه ایثارگری و شهادت‌طلبی در کلام رهبر کبیر انقلاب نیز بارها نمایان گردید. امام خمینی (ره) در فرازی از سخنان خود در این رابطه می‌فرماید:

خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریه طیبه آن بزرگواران و به پیروان خط آنان رسیده است.^{۳۱}

دروود و سلام به ارواح طیبه همه شهیدان مخصوصاً شهیدانی که با خون خود نهال دین و نظام اسلامی را جانی دیگر بخشیدند.

بلاجویان دشت کربلائی

کجائید ای شهیدان خدائی

پرنده‌تر ز مرغان هوائی

کجائید ای سبک روحان عاشق

کجائید ای زجان و جا رهیده
کسی مر عقل را گوید کجائی
کجائید ای در مخزن گشاده
کجائید ای نوای بینوائی
در آن بحریدکاین عالم کف اوست
زمانی بیش دارید آشنایی
کف دریاست صورت های عالم
ز کف بگذر اگر اهل صفائی

بیانات آن امام همام نیز در شکل گیری فرهنگ عاشورائی نقش مهمی را ایفا نموده است. به همین جهت فرازهایی از سخنان آن حجت خدا را در آخر مقاله آوردم.

بیانات امام حسین (ع) خطاب به بستگان و نزدیکان صحابه:

فَإِنْ كُنْتُمْ قَدْ وَطَّئْتُمْ أَنْفُسَكُمْ عَلَىٰ مَا وَطَّئَتْ نَفْسِي عَلَيْهِ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ إِنَّمَا يَهَبُ الْمَنَازِلَ الشَّرِيفَةَ لِعِبَادِهِ بِإِحْتِمَالِ الْمَكَارِهِ وَإِنَّ اللَّهَ وَإِنْ كَانَ حَصْنِي مِنَ الْكِرَامَاتِ بِمَا يُسْهَلُ عَلَيَّ مَعَهَا إِحْتِمَالِ الْمَكْرُوهَاتِ، فَإِنَّ لَكُمْ شَطْرَ ذَلِكَ مِنْ كِرَامَاتِ اللَّهِ تَعَالَىٰ. وَأَعْلَمُوا إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهَا وَمَرْهَا حُلْمٌ وَالْآخِرَةُ فِي الْآخِرَةِ وَالْقَائِرُ مَنْ قَارَ فِيهَا وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِيهَا. ۳۲

پس اگر آماده‌اید بر آنچه من خود را آماده کرده‌ام بدانید که خداوند فقط در مقابل تحمل سختی‌ها مقام‌های عالی را به بندگان می‌بخشد و گرچه خدا مرا به کرامت‌هایی مختص گردانیده که تحمل سختی‌ها بر من آسان شده ولی برای شما نیز مقداری از آن کرامت‌های خداوندی هست و بدانید که دنیا، شیرین و تلخش خواب می‌باشد و بیداری در آخرت است و رستگار کسی است که در آن (دنیا) رستگار شد و بدبخت کسی است که در آن بدبخت گشت.

بیانات امام حسین (ع) به حز هنگام حرکت به سوی کوفه:

سَامِضِي وَمَا بِالمَوْتِ عَارٌ عَلَى الفَتَىٰ إِذَا مَا نُوِي حَقًّا وَجَاهَدَ مُسْلِمًا
وَأَبَى الرَّجَالَ الصَّالِحِينَ بِنَفْسِهِ وَفَارَقَ مَشْبُورًا وَوَدَّعَ مُجْرِمًا
فَإِنْ عِشْتُ لَمْ أُنْدَمْ وَإِنْ مِتُّ لَمْ أَلَمْ كَسَى بِكَ ذُلًّا إِنْ تَعِيشَ وَتُرْعَى ۳۳

به زودی می‌روم و مرگ برای جوانمرد عار و ننگ نیست هنگامی که نیتش حق باشد و در حال اسلام جهاد کند و با جانش با مردان صالح مواسات کند و از شخص رانده شده از رحمت الهی جدا شود و با مجرم وداع کند. پس اگر زندگی کنم پشیمان نمی‌شوم و اگر بمیرم مذمت و ملامت نمی‌شوم. برای خواری همین بس که با ذلت و سرافکندگی زندگی کنی.

بیانات امام هنگام ورود به کربلا خطاب به اصحاب خود:

النَّاسُ عبيدُ الدُّنْيَا وَالدُّنْيَا لِعَيْقٍ عَلَى السِّنْتِهِمْ يُحَوِّطُونَ مَادَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ. ۳۴

مردم بنده دنیا هستند و شیرینی دین تنها بر زبان هایشان است مادامی که معیشت و زندگانی آنها وسعت داشته باشد آن را حفظ می‌کنند ولی هنگامی که با ابتلائات امتحان شوند دین داران کم می‌شوند.

بیانات پر معنی و بلند امام که بعد از خبر قتل مسلم بن عقیل فرمودند:

فان تكن الدنيا تعدّ نفساً
فان تكن الدنيا تعدّ نفساً
و ان تكن الابدان للموت انشئت
و ان تكن الابدان للموت انشئت
ان تكن الارزاق قسماً مقدراً
ان تكن الارزاق قسماً مقدراً
و ان تكن الاموال للمتّرك جمعها
و ان تكن الاموال للمتّرك جمعها

اگر دنیا نفیس و مرغوب شمرده شود پس خانه ثواب الهی برتر و افضل است. و اگر بدن‌ها برای مرگ خلق شده‌اند، پس کشته شدن با شمشیر در راه خدا برتر است. و اگر روزی‌ها تقسیم شده و مقدر است، پس کمتر حرص زدن در روزی زیباتر است. و اگر نتیجه اندوختن اموال برای ترک آنهاست پس چرا آزاده آنچه را که متروک خواهد شد به آن بخل ورزد.

بیانات امام در صبح عاشورا به درگاه الهی هنگام حمله دشمن:

اللهم انت تقى في كل كربٍ و رجائي في كل شدةٍ و انت لي في كل امرٍ نزل بي ثقةً و عدهً. كم من كربٍ يضعف عنه الفؤاد و تقلّ فيه الحيلة و يخذل فيه الصديق و يشمت العدو انزلته بك و شكوته اليك رغبةً متى اليك عمن سواك ففرّجته و كشفته فانت ولي كل نعمةٍ و صاحب كل حسنةٍ و منتهى كل رغبةٍ.^{۳۶}

معبودا تنها تو در هر غم و اندوه مورد اطمینان منی و در هر سختی و گرفتاری امید منی و تنها تو در هر امری که بر من نازل شده محل اطمینان و ذخیره من هستی. چه اندوه سختی که دل از آن ناتوان گشته و چاره در آن گم شده و دوست در آن خوار گردیده و دشمن شماتت کرده و خوشحال می‌شود به خاطر میل و رغبتم به تو و اعراض از غیر تو. آن اندوه را نزد تو آورده و شکوه‌اش را به تو کردم و تو آن را گشوده و برطرف نمودی. پس تنها تو ولی و سرپرست هر نعمت و معاشر و ملازم هر نیکی و غایت و منت‌های هر میل و رغبت هستی.

پی‌نوشتها:

۱. دائرة المعارف علوم اجتماعی، دکتر باقر ساروخانی، نشر کیهان، ۱۳۷۰، ص ۱۶۵.

۲. همان، ص ۴۶۰.

۳. یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۶، نشر صدرا، ۱۳۸۱، ص ۴۰۵.

۴. دایرة المعارف تشیع، جلد دوم، گروهی از نویسندگان، نشر سازمان دایرة المعارف، ص ۳۴۹.
۵. فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، نشر معروف، اسفند ۷۴، ص ۳۴۴.
۶. ر.ک: مفردات راغب، واژه عرف و نکر، و نیز ر.ک: فرهنگ فارسی معین و لغت نامه دهخدا، واژگان امر، نهی، معروف و منکر.
۷. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، نشر اسلامیه، چاپ پنجم، ص ۳۹۵.
۸. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۴، ص ۳۲۹.
۹. همان، ص ۳۲۸.
۱۰. مجموعه آثار، استاد مطهری، ج ۱۷، نشر صدرا، چاپ اول، ۷۷، ص ۲۱۵.
۱۱. مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۲۷۰.
۱۲. همان.
۱۳. مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۱۹۷.
۱۴. ر.ک: تبلیغ دین از منظر دین، حمید نگارش و همکاران، نشر زمزم هدایت، ۱۳۸۳، ص ۱۱۱.
۱۵. مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۲۳۵.
۱۶. فرهنگ عاشورا، ص ۲۴۹.
۱۷. بحار الانوار، علامه مجلسی، انتشارات اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۸ ه. ق، ص ۳۸۱.
۱۸. ر.ک: پیام‌های عاشورا، جواد محدثی، نشر زمزم هدایت، چاپ هفتم، ۸۵، ص ۷۹.
۱۹. سیاست حسینی از دیدگاه مقام معظم رهبری، سلسله رهنمودهای موضوعی، دفتر چهارم، نشر سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع، پاییز ۸۱، ص ۹۹.
۲۰. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۸.
۲۱. همان، ص ۳۶۷.
۲۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۴.
۲۳. همان.
۲۴. ر.ک: فروغ شهادت، علی سعادت پرور، نشر پیام آزادی، ۱۳۷۳، ص ۲۲۷.
۲۵. انعام، ۱۶۲.
۲۶. مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۴۵۳.
۲۷. سیمای فرزندان، رضا مختاری، نشر دفتر تبلیغات، ج ۳، ص ۲۰۹.
۲۸. مفتاح الجنان، محدث قمی، نشر اسماعیلیان، بی تا، ص ۷۹۸.
۲۹. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۹۶.
۳۰. موسوعة کلمات الامام الحسین (ع)، دارالمعروف، قم، ۱۳۷۴، ص ۴۰۲-۴۰۱.
۳۱. صحیفه نور، امام خمینی (ره)، وزارت ارشاد، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۴۴.
۳۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۹۰.
۳۳. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۸.
۳۴. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۳.
۳۵. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۴.
۳۶. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴.